

فصلنامه راهبرد سیاسی

سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۴۰۰

صفحات: ۱۹۷-۲۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

## ابزارهای ایالات متحده آمریکا برای تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران

 20.1001.1.25884565.1400.5.1.9.4



فرزین زندی\*

### چکیده

تمایل ایران برای نقش آفرینی منطقه‌ای با توجه به عناصری چون موقعیت ژئوپلیتیکی، توان ژئوپلیتیکی، پتانسیل ژئواکونومیکی، جایگاه ژئواستراتژیک و پتانسیل‌های ژئوکالچر این کشور و همچنین اتخاذ استراتژی فعال‌سازی گروه‌های غیردولتی خارجی به عنوان بازوهای منطقه‌ای خود در عراق، سوریه، لبنان و یمن به گسترش نفوذ و افزایش توان ژئوپلیتیکی ایران منجر شده است. این دلایل، خود به صورت محرکی نیرومند موجب تراحم ژئوپلیتیکی ایران و ایالات متحده در منطقه و همچنین بروز احساس تهدید روزافزون در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل (به عنوان متحدان اصلی آمریکا) گردیده و نیاز به همگرایی را در بین آنان، بیدار نموده است. در این پژوهش، باتوجه به لزوم بازشناسی دقیق تر رویکرد ایالات متحده در قبال ایران بر آن شدیم تا با موشکافی دقیق به این پرسش پاسخ دهیم که فشارهای بین‌المللی بر ایران و به ویژه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، به چه شکل و تا چه اندازه توانسته است بر وضعیت داخلی و رویکرد منطقه‌ای ایران تاثیر بگذارد. با بررسی ابعاد گوناگون این فشارها دریافته‌ایم که ایالات متحده با ادامه راهبرد «مهار» ایران و بکارگیری دیپلماسی «اجبار» در پی بهره مندی از میراث دولت‌های باراک اوباما و دونالد ترامپ است و دولت جدید این کشور با تلفیق روش‌های مواجهه دو دولت پیشین با ایران در تلاش است تا با هوشمندسازی تحریم‌ها و حفظ و تنظیم کارآمد آن‌ها، ایران را در نوعی محاصره سیاسی-اقتصادی و ژئوپلیتیکی نگاه دارد و از امکان رشد و سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران جلوگیری به عمل آورد و همزمان، حمایت از متحدان منطقه‌ای خود را (با کیفیتی نو) ادامه دهد.

### کلید واژه‌ها

دیپلماسی اجبار، مهار، قلمروسازی ژئوپلیتیکی، تحریم، ایران، آمریکا.

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Farzin.zandi@ut.ac.ir

## مقدمه

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، مرحله نوینی در سیاست امریکا در خاورمیانه آغاز شد که شامل دو جنبه مهم بود: نخست، تلاش برای تضعیف و یا در صورت امکان، تغییر رژیم در کشورهای مخالف مانند عراق و دوم، پیگیری سیاست ایجاد تدریجی اصلاحات کنترل شده در کشورهای دوست و متحد استراتژیک سنتی (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۷) در مورد اول ژئوپلیتیک ایران نقش قابل توجهی ایفا می‌نماید. در واقع ژئوپلیتیک هر واحد سیاسی یکی از کاتالیزورهای سیاست قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است. در این راستا، شاخص‌های گسست و پیوند در سیاست خارجی کشورها، وابستگی عمیق و قابل توجهی به ویژگی‌ها و مختصات ژئوپلیتیک یک کشور دارد (قالیباف و دیگران: ۱۳۸۷: ۷۵). مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی ایران عبارت‌اند از: سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تنگه‌ی استراتژیک هرمز، تنوع فرهنگی و قومی، قدرت نرم (مرکزیت فرهنگی) وسعت سرزمینی و فضاهای خالی گسست‌آفرین در مرکز، موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک، پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی غنی، ژئوتوریسم و موقعیت ایران در دریای خزر (سنایی، ۱۳۹۶).

بر اساس نظریه‌ی مکیندر، شمال ایران جزو ناحیه‌ی محوری هارت‌لند و دیگر قسمت‌ها جزو هلال داخلی (حاشیه‌ای) می‌باشد (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲) و بر اساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده‌ی سرزمین حاشیه یا ریملند قرار دارد. به اعتقاد وی، این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد، از طرف دیگر بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴). بر اساس نظریه برژینسکی نیز، آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و امریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود محسوب می‌کند. بنابراین کنترل مناطق و نقاط استراتژیک، به‌ویژه تنگه هرمز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از مهم‌ترین مبانی اهمیت و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خلیج فارس ذخایر عظیم نفت و گاز در آن است. حدود ۶۶ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود ۶۰ درصد نفت جهان از تولیدات نفتی هشت کشور نفتی خلیج فارس تأمین می‌شود (نامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴).

آمریکا برای کنترل منطقه و دستیابی به اهداف سیاسی و مهار ایران به دیپلماسی اجبار روی آورد. الگوی کنش راهبردی ایالات متحده در روند دیپلماسی اجبار، معطوف به تشویق سایر بازیگران به اعمال تحریم و فشار اقتصادی بیشتر به ایران است (Cheraghloou, 2015: 18) که یکی از دلایل آن را در قدرت ایران در گسترش قدرت ژئوپلیتیک خود و افزایش عمق استراتژیک این کشور باید

جستجو کرد. به عنوان مثال در دولت دهم جمهوری اسلامی گسترش همکاری‌های سیاسی اقتصادی با کشورهای آمریکای لاتین بیشتر می‌شود که همزمان با فعالیت کنگره صد و یازدهم ایالات متحده (۲۰۰۹-۲۰۱۰) بوده است. قانون‌گذاران آمریکایی همواره بر اساس اصل مونروئه، هرگونه حضور دشمن در حیطه خلوت خود در امریکای لاتین را به عنوان تهدید حیاتی علیه منافع آمریکایی ارزیابی می‌کنند (Seston, 2011: 259) به همین دلیل با ادعای مقابله با حضور ایران در نیمکره غربی و با اکثریت آرا، «لایحه مقابله با نفوذ ایران در آمریکای لاتین را به تصویب می‌رساند که در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲ با توشیح باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به قانون تبدیل می‌شود. در قسمت پنجم این قانون، وزارت امور خارجه آمریکا مکلف شده بود ظرف سه ماه، طرحی راهبردی را برای آنچه «حل مسئله حضور و گسترش فعالیت خصمانه ایران» در منطقه آمریکای لاتین خوانده شده بود، تدوین نماید. در این قانون از وزارت امنیت داخلی نیز خواسته شد تا نظارت بیشتری بر مرزهای آمریکا با کانادا و مکزیک داشته باشد تا از ورود عناصر نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان به خاک ایالات متحده آمریکا پیشگیری شود. به عبارتی از سال ۲۰۱۲، بخشی از دیپلماسی تحریم کنگره به سمت تدوین راهبردهای سیاسی-امنیتی بلندمدت در قبال ایران متمایل می‌شود (Humire & Berman, 2012: 183).

در سال‌های اخیر تنش‌های میان ایران و ایالات متحده وارد فاز تازه‌ای شده است که با گذشته تفاوتی جدی دارد و امروز ایالات متحده تمام توان سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود را بکار گرفته تا بتواند با مشارکت سایر هم‌پیمانان خود، ایران را تحت فشار حداکثری قرار داده، مهار نماید و با ابزارهای فشار این کشور را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کند.

### مبانی نظری

قدرت از جمله مفاهیمی است که در مورد آن نظریه‌ها و دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد. در عصر حاضر قدرت سخت و نرم و قدرت هوشمند؛ مهم‌ترین گونه‌های قدرت به شمار می‌آیند. در ادبیات سیاسی عباراتی مانند «قدرت‌های منطقه‌ای» و «قدرت‌های نوظهور» برای اشاره به دسته‌ای از قدرت‌ها بکار رفته است که امروزه کشورهای بسیار مهمی در مناسبات جهانی به حساب می‌آیند (Hurrell, 2006) شاخصه‌های قدرت این کشورها از اندازه‌ی جمعیت و زمینه‌های جغرافیایی، تا قابلیت‌های نظامی و اقتصادی و آرمان‌های سیاسی آن‌ها متغیر است. به علاوه، آن‌ها در سال‌های اخیر به صورت روزافزونی به بیان آرزو و خواسته‌ی خود برای رهبری در منطقه، طنین افکندن صدایی نو و

تقاضای مشارکت در اداره جهان پرداخته‌اند. در هر صورت بالا رفتن آرزوها و تشدید کنش‌های ژئوپلیتیکی آن‌ها در سال‌های اخیر، ویژگی مشترک این کشورها است.

در مورد ویژگی قدرت‌های منطقه‌ای نظریات مختلفی ارائه شده است. «دستردی» بر این باور است که قدرت منطقه‌ای باید بین فشارها یا محدودیت‌های قدرت‌های بزرگ و آرمان‌ها و اهداف خود برای نظم منطقه‌ای و نیز اقدامات و واکنش‌های همسایگان منطقه‌ای خود توازن برقرار کند (دستردی، ۱۳۹۱: ۱۱) از سوی دیگر اما، «رابرت ساک» معتقد است که اساس قدرت، قلمروسازی است که تلاشی انسانی برای تحت تاثیر قرار دادن، نفوذ کردن و یا کنترل اقدامات و تعاملات (افراد، اشیاء، روابط) با طرح ادعا و تلاش برای به اجرا در آوردن کنترل بر یک منطقه جغرافیایی تعریف می‌گردد. (Sack, 1983) قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران به ویژه در غرب آسیا از این جهت قابل تفسیر بوده و مهار این قدرت توسط ایالات متحده که پیشتر، سیاستی مشابه آن را بر مبنای «نظریه مهار» برخاسته از دیدگاه‌های «جرج کنان»<sup>۱</sup> در مهار شوروی به کار گرفته بود در دستور کار قرار گرفته شده است. هشدار کنان در سال ۱۹۴۶ درباره قانده تاریخی توسعه طلبی شوروی از مرکز آسیایی روسیه از سوی آمریکایی‌های ضد کمونیست، مبنای سیاست خارجی ایالات متحده به منظور مهار شوروی در نظر گرفته شد که در مورد ایران، بر همان اساس اما با ابزار دیپلماسی اجبار اجرا می‌شود.

امروزه اما با عمیق تر شدن چالش‌های سیاسی در جهان و شدت گرفتن مسابقه تسلیحاتی به ویژه در غرب آسیا، بیشتر کشورهای قدرتمند تلاش می‌کنند که اهداف استراتژیک خود را که برای محقق شدن، بیشتر به نیروی نظامی متکی است، نه از طریق جنگ بلکه با تهدید تأمین نمایند. (Waltz, 2004) در چنین وضعیتی، یکی از ابزارهای معمول و مورد استفاده، دیپلماسی اجبار است. دیپلماسی اجبار راهبردی دیپلماتیک با درجه ای از «اجبار محدود» است. دیپلماسی اجبار، ترکیب هوشمندانه و همزمان دو گزینه تهدید و دیپلماسی است. موفقیت در بازدارندگی، مترادف با عدم نیاز به حمله به کشور مقابل است اما کارایی این دیپلماسی به میزان تغییر رفتار کشور هدف وابسته است. بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار، کشور تهدیدکننده با هزینه‌های روانی، سیاسی و مالی کمتر از تهاجم نظامی، به اهداف خود می‌رسد. (امینیان: ۱۳۸۴) در واقع این دیپلماسی در حالتی به اعمال فشار می‌پردازد که به جای استفاده از زور برای متوقف کردن رقیب خود، در تلاش است تا آن را قانع نماید تا از اقدام خود منصرف شود. توانایی دولت اجبار کننده در تغییر شرایط به نفع خود، به سه عامل کلیدی وابسته است: متناسب بودن، متقابل بودن، و معتبر بودن اعمال فشار. (Jentelso:

<sup>1</sup> George Kennan

2006) در این نوع دیپلماسی، هویج‌ها وجود دارند اما چماق‌ها بیشتر و شامل تحریم‌های اقتصادی و تهدید به استفاده از نیروی نظامی‌اند ( Art: 2003 :125) استفاده از دیپلماسی اجبار، زمانی است که هزینه‌های نپذیرفتن درخواست دولت اجبار کننده و همچنین فواید پذیرش آن‌ها برای دولت هدف بیش از فواید پایداری در برابر دولت تهدیدکننده باشد. (Sechser, 2017: 52) مهمترین ملزومات موفقیت دیپلماسی اجبار عبارتند از:

اختصاص بازه زمانی منطقی: کشور هدف باید تحت فشار شدید و مضیقه زمانی قرار بگیرد و در نتیجه، متقاعد شود که فرصت کمی برای عملی کردن خواسته‌های کشور اجبار کننده دارد، البته لازم است که دولت اجبارکننده بازه زمانی منطقی برای اجابت درخواست هایش را در نظر بگیرد. (Alexander, 1992)

اعتبار تهدید: بر پایه اصل «اعتبار اجبارآمیز» دیپلماسی اجبار هنگامی کارگر می‌افتد که سیاست‌گذاران و حکمرانان کشور هدف در برآورد تهدیدات، به این یقین برسند که عدم تمکین به درخواست دولت یا دولت‌های اجبارکننده، تبعات ناگوار و جبران‌ناپذیری را به کشور تحمیل می‌کند. (اسدی، ۱۳۹۰)

اجرای تحریم‌های فراگیر و هوشمند: دیپلماسی اجبار هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که تحریم‌های هوشمند و گسترده‌ای علیه بازیگر هدف، اعمال شود. (Jentleson, 2006) بنابراین آنچه تا امروز ایالات متحده تاکید بیشتری بر آن داشته است و می‌تواند مهم‌ترین ابزار تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران قلمداد شود، بکارگیری و تاکید بیشتر بر تحریم‌ها، مدلسازی خاص متناسب و هوشمندسازی آن در راستای به حداکثر رساندن کارایی این ابزار است.

### توان ژئوپلیتیک

ایران به عنوان یکی از کشورهای وسیع در غرب آسیا، دارای ویژگی‌ها و توانمندی‌های طبیعی است که جایگاه خاصی به این سرزمین بخشیده است. این داشته‌ها به‌اندازه‌ای است که ناخواسته، کشورهای دیگر را به واکنش وادار می‌دارد. موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که نزدیکی سرزمینی به قدرت‌های بزرگ همچون روسیه در شمال و حوزه نفوذ آمریکا در جنوب، در جایی که این قدرت‌ها منافع حیاتی خود را دنبال می‌نمایند جایگاه ایران را حائز اهمیت می‌گرداند.

ایران بزرگ به لحاظ جغرافیایی دژ آسیای غربی و دروازه‌ی ورود به اروپا است و سه قاره آسیا، اروپا و (با فاصله‌ای نسبتاً کم) آفریقا را به هم متصل کرده است. شاید کمی اقرار آمیز به نظر برسد اما ایران

به علت وضعیت خاص جغرافیایی، مرکز جهان است (فولر، ۱۳۷۱: ۵۲) وسعت ایران بیش از ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع است که در منطقه مورد مطالعه تنها از عربستان سعودی کوچک‌تر بوده و هفت کشور پیرامون خلیج فارس در مجموع به اندازه نصف ایران نیز مساحت ندارند. شکل جغرافیایی ایران (چهار ضلعی نامنظم) و وسعت آن به گونه‌ای است که قطر شمال غربی به جنوب شرقی آن ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر شمال شرقی به جنوب غربی ۱۴۰۰ کیلومتر، عمق ویژه‌ای به موقعیت استراتژیک ایران بخشیده است. از دیدگاه نظامی، اشغال و تصرف کشورهای پهناور و با عمق استراتژیک، تقریباً غیرممکن است. ایران از یک طرف و از منظر جغرافیایی در منطقه‌ای واقع شده است که در جنوب و از طریق خلیج فارس و دریای عمان به آب‌های آزاد جهان از جمله اقیانوس هند و خلیج عدن دسترسی کامل دارد که قدرت مانور دریایی ویژه‌ای برای این کشور محسوب می‌گردد. از طرف دیگر و از سوی شمال، ایران به هارتلند مکیندر اتصال داشته و نزدیکی خاصی به اروپا دارد. (ربیعی، ۱۳۹۵: ۷) ایران با قرار گرفتن در منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس و دریای عمان، طولانی‌ترین و گسترده‌ترین سواحل را در بین کلیه‌ی کشورهای این منطقه با ۴۹۰۰ کیلومتر خط ساحلی در جنوب و ۸۹۰ کیلومتر در ساحل دریای خزر را داراست که توان فزاینده‌ای برای دسترسی به پهنه‌های آبی محسوب می‌گردد که به ایران امکان بهره‌برداری از این سواحل برای طراحی اهداف اقتصادی-نظامی را می‌دهد. از آنجایی که قدرت‌های برتر جهان در قرن ۲۱ از منظر ژئوپلیتیک، کشورهای هاستند که بتوانند بر منابع و خطوط عرضه و انتقال انرژی تسلط داشته باشند، مجاورت ایران با مثلث گذرگاهی انرژی شامل تنگه مالاکا، باب المندب و هرمز و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان (۲۰،۷) نفت عبوری جهان (EIA: 2019) حایز اهمیت است. نکته مهم دیگر درباره جغرافیای این کشور این است که ایران بر جزایر بسیار استراتژیک خلیج فارس همچون هنگام، قشم، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، خارک، سیری حاکمیت دارد که این مساله توان استراتژیک ایران را به خوبی مشخص می‌نماید

ایران با بیش از هشتاد میلیون نفر جمعیت، از مجموع همه کشورهای پیرامونی خلیج فارس جمعیت بیشتری دارد و این دست کم به معنای بازار مصرف و توان تولید قابل توجه است. ۸۵،۵۴ درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال در ایران با سواد هستند. (unesco: 2016) جمعیت جوان مشغول به تحصیل در آموزش عالی در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ بیش از ۴،۲ میلیون نفر بوده است؛ رقمی معادل کل جمعیت کشور کویت که نتیجه فعالیت‌های این دانشجویان تا سال ۲۰۱۸، قرار گرفتن ایران در جایگاه ۲۲ دنیا در تولید مقالات علمی در نشریات بین‌المللی است که همراه با ترکیه (جایگاه ۲۰) دو

کشوری هستند که در غرب آسیا چنین جایگاهی را بدست آورده اند و این سرمایه انسانی، پتانسیل ویژه ای برای ایران محسوب می گردد. (Scimago, 2021)

### توان ژئواکونومیک

قرار گرفتن بین دو حوزه دریایی خلیج فارس و دریای خزر دو مخزن بزرگ انرژی جهان و ایفای نقش اتصالی بین این دو، جایگاه ویژه‌ای در ژئوپلیتیک جهانی به ایران داده است. حضور در چنین جغرافیایی موجب گردیده است که ایران با دارا بودن ۱۳,۱ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهان (معادل ۱۵۵,۶۰ هزار میلیارد بشکه) در جایگاه سوم (OPEC: 2019) و با در اختیار داشتن ۱۱۹۳,۹۶۶ میلیارد متر مکعب ذخیره گاز طبیعی (EIA: 2019)، پس از روسیه، در جایگاه دوم جهان بایستد. مالکیت این ثروت، جایگاه ایران را بیش از پیش در جهان امروز که وابستگی روزافزونی به انرژی دارد، عیان می نماید. در حوزه معادن نیز ایران، در بین ثروتمندترین کشورهای جهان قرار دارد به گونه ای که ۷ درصد از منابع معدنی جهان متعلق به این کشور است. ذخایر باریت (۷,۵ درصد)، روی (۵ درصد)، مس (۳,۶ درصد) و آهن (۱,۶ درصد) مهم ترین عناصر معدنی ایران است و عناصر دیگری همچون طلا، فلورور و آلومینیوم هم به اندازه کافی در ایران وجود دارد. ایران مالک ۷۰ عنصر متنوع ماده معدنی و ۴۱ میلیارد تن ذخایر قطعی است و با داشتن ۱۱ معدن در کلاس جهانی، رتبه بین ۱۲ تا ۱۵ را در بین کشورهای معدنی جهان و رتبه نخست را در خاور میانه دارد. (USGS, 2020)

از دیدگاه ژئواکونومیک، ایران از مزیت‌های اقتصادی خاصی در سطح منطقه و جهان برخوردار است. توجه به مقوله «راه» همان‌طور که از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده است و «راه ابریشم» زیربنای اقتصاد سیاسی ایران باستان را تشکیل می‌داده، امروز نیز مسئله‌ای است که باید با نگاهی نو، مورد توجه قرار بگیرد. قرار گرفتن در مسیر دو کریدور مهم شمال-جنوب و شرق-غرب اهمیت ترانزیتی مهمی به ایران بخشیده است. این مساله وقتی اهمیت دو چندان می‌یابد که زیرساخت‌های ارتباطی قدرتمند ایران در حوزه راه‌های آسفالت، راه‌آهن و به‌ویژه راه‌آهن شمال به جنوب که می‌تواند کشورهای آسیای مرکزی را به خلیج فارس و شرق را به غرب متصل کند و ظرفیت ارتباطی پر اهمیتی برای همسایگان غربی و شرقی ایجاد نماید به آن افزوده شود (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۹۴). تا سال ۲۰۱۸ ایران خطوط ریلی راه آهن خود را به طول ۱۱۲۶۶ کیلومتر رسانده است. ۲۴۰۱ کیلومتر آزادراه، ۱۸۱۲۲ کیلومتر بزرگراه و ۲۵۸۶۶ کیلومتر راه اصلی به همراه ۷۸ پایانه باری (کالایی) فعال در سراسر کشور از دیگر پتانسیل‌های مهم ارتباطی ایران است. (ایسنا، ۱۳۹۸)

ایران از جهت رشد اقتصادی در منطقه مناب ( خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان) قبل از اعمال تحریم‌های ایالات‌متحده، در رتبه اول قرار داشت. (IMF; OCT 2017: 31) بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ارزش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۵ بر اساس شاخص قدرت خرید برابر ۵۴۴ میلیارد و ۷۴۴ میلیون دلار بوده است. که از این لحاظ، ایران در رتبه ۲۲ جهان بین ۱۸۰ کشور است. که در سال ۲۰۰۷ به رتبه بیستم ارتقا یافت. مؤسسه آمریکایی گلد من ساچس معتقد است: ایران از ظرفیت‌های عالی در حوزه اقتصاد برخوردار است و در صورتی که بتواند آن‌ها را به فعلیت درآورد تا سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین اقتصاد در بین کشورهای در حال توسعه خواهد بود. (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۹۵)

### عمق استراتژیک

موقعیت دریایی و گذرگاهی؛ که نقش ایران در پرونده‌های منطقه‌ای غرب آسیا همواره به‌عنوان منطقه‌ای بحران‌زا و بحران‌خیز در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از منظر ژئواستراتژیک مطرح است. عمده‌ی کشورهای این منطقه درگیر سطوحی از بحران بوده و هستند اما در برخی کشورها این بحران‌ها دیرپاتر و با تأثیرات عمیق‌تر بوده و در برخی، بحران‌ها زودگذر و سطحی است. اگرچه بحران‌های غرب آسیا دارای ویژگی‌های اختصاصی هستند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند اما در بحران‌های عمیق و طولانی مانند افغانستان، عراق، سوریه و یمن، درگیری و جنگ نظامی وجود دارد. از طرف دیگر، شکل‌گیری حزب‌الله لبنان متأثر از اندیشه‌های مبتنی بر اسلام سیاسی بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، شکل‌گیری نیروهای حشدالشعبی، سپاه بدر، عصاب الحق و حزب‌الله عراق؛ تشکیل گروه‌هایی مانند لشکر فاطمیون و کمک‌های مستشاری ایران در سوریه، فعالیت‌های نیروهای انصارالله یمن، برخی از نمودهای حضور ایران در بحران‌های منطقه است (بهمن، ۱۳۹۶: ۱۹-۱۶) که این بازوهای نیابتی، در فقدان عضویت ایران در پیمان‌های نظامی-امنیتی منطقه، نقش برگ برنده را ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر روند حضور و عضویت دائم ایران در محتمل‌ترین پیمانی که این روزها ایران تمایل بیشتری به عضویت در آن دارد همچون سازمان شانگهای می‌تواند منافی در بر داشته باشد اما به دلیل تسلط دو قدرت بزرگ روسیه و چین و تعارض منافع آن‌ها و برخی از دیگر اعضا با منافع استراتژیک ایران، عضویت دائمی در این سازمان با اهداف و منافع ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک ایران همخوانی ندارد. (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۲۰) در این میان، منافع ایران و ایالات‌متحده در هر کدام از این موضوعات اشاره‌شده، از ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی برخوردار است و گرچه در برخی



زمینه‌ها عدم تعارض منافع ولو در گفتار، عیان است اما در برخی موضوعات تضاد شدید منافع دو کشور قابل چشم‌پوشی نیست و مهار قدرت ایران توسط ایالات متحده از این دریچه قابل بررسی است. در خصوص روابط ایران و آمریکا تنها یک اصطکاک عمیق سیاسی وجود ندارد بلکه تقابل و تنازع دو کشور در اعماق گفتمان‌های حاکم بر آن دو است. در واقع دو جهان‌بینی و گفتمان با رویکردهای ایدئولوژیک وجود دارد که رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و در این رویارویی، ایران دایه‌دار ایدئولوژی اسلامی با خوانش شیعی، [موعود گرا و اشاعه‌محور] و ایالات متحده پرچم‌دار لیبرال دموکراسی و سکولاریسم است (جعفری موحد، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

### مهار ایران: تحدید نفوذ

استراتژی ثبات منطقه‌ای آمریکا با اتکا بر ایران، به دنبال سرنگونی حکومت شاه از هم پاشید. پس از آن، عراق تلاش نمود که نقش ژاندارم منطقه را بر عهده بگیرد، لیکن حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ سبب ناامیدی آمریکا از حکومت عراق گردید، در نتیجه آمریکا به اعمال سیاست مهار دوگانه ایران و عراق روی آورد. سیاست ایالات متحده در مورد ایران و عراق از آنجا ناشی می‌گردد، که اکثر استراتژیست‌های آمریکایی سیاست‌های فعلی دو کشور را با منافع آمریکا و اسرائیل در تضاد می‌دانستند. (امیرعبداللهیان، ۱۳۷۸: ۶) تعارض منافع آمریکا و عراق از یکسو و تلاش ایران برای اشاعه ایدئولوژی اسلامی-شیعی خود از سوی دیگر، باعث نگرانی عمیق مجامع سیاسی و بین‌المللی و خصوصا اسرائیل و آمریکا شد. حملات موشکی عراق به اسرائیل در جنگ دوم خلیج فارس موجی از وحشت و اضطراب را در تل‌آویو و واشنگتن ایجاد کرد. به همین دلیل فعالیت عمده در زمینه تدوین استراتژی مهار دوگانه در مؤسسه لابی یهودیان در واشنگتن انجام پذیرفت و پس از طی مراحل در شورای امنیت ملی آمریکا مورد توجه قرار گرفت. این موضوع در کنگره آمریکا نیز جلساتی را به دنبال داشت. استراتژی مهار دوگانه بر "اعمال تحریم" متکی است. (همان، ۳)

«آنتونی لیک»<sup>۱</sup> یکی از مشاوران امنیت ملی رئیس جمهور وقت آمریکا، «بیل کلینتون» بود که استراتژی مهار دوگانه را در مرحله اجرا مطرح نمود. این فرایند با انتشار مقاله‌ای در آوریل ۱۹۹۴ در مجله «فارن افرز»<sup>۲</sup> آغاز شد. آنتونی لیک با مقاله‌ای تحت عنوان «مقابله با دولت‌های سرکش»<sup>۳</sup> به

<sup>۱</sup> Anthony Lake

<sup>۲</sup> Foreign Affairs

<sup>۳</sup> Confronting Backlash States

تشریح سیاست مهار دوگانه پرداخت و ایده‌های اولیه «مارتین ایندیک» از نظریه‌پردازان نخستین مهار ایران را با توضیحاتی بیشتر بیان کرد. (Foreign Affairs, 1994) لیک، به روشنی، کشورهای کوبا، کره شمالی، ایران، عراق و لیبی را در گروه کشورهای قانون‌شکن قرار داد و هر یک از کشورهای مذکور را دارای تاریخ، فرهنگ و شرایط منحصر به خود دانست که سیاست‌های آمریکا در قبال هر کدام به همان تناسب طراحی شده است. ایالات‌متحده آمریکا درصددت نفوذ قرار دادن این کشورها از طریق اعمال فشار و منزوی کردن آن‌ها با بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز برآمد و در این راستا از جامعه جهانی نیز دعوت کرد تا برای انجام یک اقدام هماهنگ و همه‌جانبه به آمریکا بپیوندند. از آنجایی که ایران و عراق در جوار یکدیگر و در کنار خلیج فارس که ۶۵٪ از منابع نفتی جهان در آن قرار دارد، واقع شده‌اند، این دو کشور وضعیت پیچیده‌ای را برای آمریکا به وجود آوردند. (امیرعبداللهیان، ۱۳۷۸: ۱۹) پس از سقوط عراق متأثر از وقایع ۱۱ سپتامبر و قرار گرفتن مساله هسته‌ای ایران در کانون توجهات، مهار ایران بار دیگر به مساله‌ای جدی تبدیل و به طور فزاینده شدیدتر پیگیری و اجرا شد. اگرچه، سیاست مهار ایران با وجود برخی فراز و نشیب‌ها، همواره در سیاست خارجی آمریکا مطرح بوده است تا آنجا که در آوریل ۲۰۱۷، «رئول مارک گرچت»<sup>۱</sup>، پژوهشگر «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»<sup>۲</sup>، به همراه «ری تکیه»<sup>۳</sup>، محقق ارشد شورای روابط خارجی، در یادداشتی در «واشنگتن پست» عنوان کردند: «اجماعی در واشنگتن برای پس زدن ایران شکل گرفته است. به دموکرات‌ها و جمهوری خواهان توصیه می‌شود از جنگ سرد یاد بگیرند و به خاطر ترس از برهم خوردن توافقاتی کنترل تسلیحات، در مورد نبرد روی زمین سازش نکنند. ما باید ایران و قدرت رو به افزایش متکی به میلیشیاهای حامی‌اش را مهار کرده و به عقب برانیم. ما باید پاشنه آشیل این رژیم یعنی انزجار مردم از حکومت را هدف بگیریم. حقوق بشر باید اولویت سیاست آمریکا درباره ایران باشد... امروز رژیم اسلامی [ایران] شبیه شوروی دهه ۱۹۷۰ است؛ موجودیتی خسته و ناتوان از اصلاح خود، درحالی‌که غرق در فساد است و در اثر [پیگیری سیاست‌های] امپریالیستی پرهزینه، دچار خمودگی شده است. اگر واشنگتن در برخورد با ایران به شیوه‌ای که با شوروی برخورد کرد، جدی باشد، باید با فشار بر آن در همه جبهه‌ها، این حکومت دینی را تضعیف کند... بسیاری در واشنگتن در سال ۱۹۸۰ فکر می‌کردند اتحاد

<sup>1</sup> Reuel Marc Gerecht

<sup>2</sup> Foundation for Defense of Democracies (FDD)

<sup>3</sup> Ray Takeyh

شوروی خیلی از سقوط به درون زباله‌دان [تاریخ] به دور است. نمی‌توانیم باور کنیم که روحانیون تقدیر استوارتری داشته باشند.» (Gerecht & Takeyh, 2017)

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که دولت دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری وی، با طراحی و اجرای استراتژی «فشار حداکثری» در پی شوروی‌سازی ایران (با بهره‌گیری از تجارب دولت ریگان علیه اتحاد جماهیر شوروی) بوده است. (Ferrara, 2018) شاخه فکری پشتیبان این پروژه، «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و برخی دیگر از اتاق‌های فکر دست راستی و محافظه‌کار ایالت متحده مانند «بنیاد هریتیج»<sup>۱</sup> و «موسسه امریکن اینترپرایز»<sup>۲</sup> هستند. شاخه اجرایی این پروژه نیز وزارت خارجه دولت ترامپ و «گروه اقدام ایران»<sup>۳</sup> بوده است. (پورسعید، ۱۳۹۷: ۵۷) با این حال، اگرچه دولت جدید ایالات متحده به ریاست جمهوری جو بایدن نیز از این استراتژی به طور کلی رو برگرداند اما تاکنون تغییراتی اساسی جز باز کردن باب مذاکرات با هدف بازگشت به برجام را در دستور کار قرار نداده است. مطابق پروژه فشار حداکثری، «براندازی جمهوری اسلامی» یا تغییر رژیم سیاسی حاکم بر ایران شاید یکی از نتایج مطلوب ایالات متحده (فارغ از دولت‌های گوناگون این کشور) باشد اما تا پیدا کردن آلترناتیوی جدی برای حکومت فعلی ایران، آمریکا شاید بی‌مه‌بابا به دنبال براندازی نباشد. زیرا حاکم بودن حکومتی ضعیف اما دارای قدرت صرف کشورداری بر فضای سرزمینی ایران، برای ممانعت از نفوذ بیشتر روسیه به خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن و کاهش شعاع اثر سیاست‌های روسی - چینی به این منطقه، کماکان یکپارچگی ایران، بیشتر مطلوب آمریکا است. به‌طور کلی می‌توان دلایل اصلی ایالات متحده از اتخاذ سیاست مهار ایران با اتکا بر دیپلماسی اجبار را در پنج زمینه و ادعای زیر مطرح کرد:

اول: بی‌اثر سازی تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و سایر انواع تسلیحات کشتار جمعی. (امیرعبداللهیان، ۱۳۷۸: ۶۳)

دوم: بی‌اثر سازی تلاش‌های ایران برای افزایش توان و دستیابی بیشتر به قدرت تهاجمی در زمینه تسلیحات متعارف، در راستای جلوگیری کردن از تهدید همسایگان ایران که برخی از مهم‌ترین آن‌ها یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین از همپیمانان سنتی آمریکا محسوب می‌شوند.

<sup>1</sup> The Heritage Foundation

<sup>2</sup> American Enterprise Institute

<sup>3</sup> Iran Action Group

سوم: ناتوان‌سازی اقتصادی-سیاسی ایران با هدف قطع حمایت ایران از شبکه‌های نیابتی و ترویج اسلام سیاسی مبتنی بر شیعه‌گرایی تهاجمی و خزنده در منطقه غرب آسیا.

چهارم: بی‌اثر سازی تلاش ایران در جهت مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل چه از طریق ایراد سخنرانی‌های تند و تحریک‌آمیز و چه از طریق اعمال خشونت‌آمیز. «هانتتر» نیز در همین راستا بر اهمیت مساله خصومت ایران با اسرائیل، قطع حمایت از گروه‌های نیابتی چون حزب‌الله لبنان و حماس و به‌طور کلی، تعدیل گفتمان انقلابی و ضداستکباری ایران تاکید می‌کند و باور دارد که اگرچه تهران مایل است واشنگتن مسئله رابطه با ایران را از موضع ایران در قبال اسرائیل جدا کند اما چنین چیزی شدنی به نظر نمی‌رسد. (ایلنا، ۱۳۹۷)

پنجم: بی‌اثر سازی تلاش ایران در جهت حمایت از شرکای منطقه‌ای این کشور به ویژه بازیگران غیر دولتی مورد حمایت ایران.

به نظر می‌رسد از بین دلایل بالا ناسازگاری ایران و اسرائیل بیشترین سهم را در این چالش از آن خود کرده است. در غرب آسیا، پاکستان امروز یک قدرت هسته‌ای محسوب می‌شود که دارای بیش از ۱۰۰ کلاهک هسته‌ای است و هند نیز همگام با چین، آمریکا و روسیه دارای توانمندی‌های سه‌گانه هسته‌ای در دریا، هوا و زمین است. جنگنده‌های قادر به حمل کلاهک هسته‌ای سوخو در هوا، زبردیریایی آری هانت با قابلیت شلیک همزمان ۱۰۰ موشک هسته‌ای در دریا و زرادخانه این کشور با موشک‌های بین‌قاره‌ای بالستیک در زمین بخشی از توانمندی‌های این کشور است. سوال اینجاست که چرا آمریکا و جامعه جهانی پیرو این کشور، نسبت به ایران حساسیت ویژه‌ای دارند در حالی که با پاکستان و هند کاری ندارند؟

امروزه تنها هشت کشور دارای «تسلیحات» هسته‌ای هستند اما بسیاری از کشورها فقط از ظرفیت صلح‌آمیز هسته‌ای در صنعت استفاده می‌کنند: فرانسه، بلژیک، جمهوری چک، فنلاند، مجارستان، سوئد، اسلواکی، سوئیس، اوکراین، کره جنوبی، ژاپن، بلغارستان، اسپانیا، رومانی... بیش از یک‌سوم برق و ۳۰ درصد از انرژی موردنیاز خود را از همین طریق تامین می‌کنند. (World Nuclear Association, 2021) پس چرا موضوع هسته‌ای صلح‌آمیز ایران برای آمریکا و غرب مساله شده و آن‌ها چنین رفتاری را با سایر کشورها نمی‌کنند؟ یا چرا حضور ایران در منطقه حساسیت‌زا می‌شود ولی دخالت‌های نظامی عربستان، امارات متحده عربی و ترکیه حساسیت‌زا نیست؟ یا چرا ادعای عدم رعایت حقوق بشر توسط حکومت ایران با تحریم روبه‌رو می‌گردد ولی چنین اتفاقی برای بحرین نمی‌افتد؟ پاسخ این پرسش در عین پیچیدگی، ساده است: اهمیت «نظم» در جهان. شاید کانون

اختلافات ایران با آمریکا و غرب موضوع امنیت اسرائیل و لابی صهیونیست‌ها در آمریکا باشد اما وقتی اجتماعی جهانی علیه ایران در بسیاری از زمینه‌ها قادر به عملی شدن است، پس باید به نقاط تاریک دیگری نور تابانده شود. از منظر بر هم زندگی نظم موجود، ایران دولتی تجدیدنظرطلب<sup>۱</sup> تلقی می‌گردد و بر همین اساس می‌توان قیاس «رندال شوئلر»<sup>۲</sup> را یادآوری نمود که او دولت‌های کوچک اما تجدیدنظرطلب را «شغال» می‌نامید و دولت بزرگی چون ایالات متحده که اصلی‌ترین طرفدار حفظ نظم موجود است را در دسته «شیر»ها قرار می‌داد. چنین قیاسی به خودی خود و طبق تاکید شوئلر به جدال بین «خودحفاظتی» و «خودگسترشی» منجر می‌شود (Schweller 1994: 101)؛ جدال پیوسته بین ایران و آمریکا که تقریباً به درازای ۴ دهه اما با شدت و ضعفی متغییر ادامه دارد. به عبارت دیگر، تلاش ایران برای قلمروسازی ژئوپلیتیکی در فضای پیرامونی خود در تضاد با منافع ایالات متحده و حفاظت از منافع این کشور و همپیمانان سنتی آن تعریف می‌شود. علیرغم تلاش‌های ایالات متحده و متحدان آن برای تضعیف اقتصاد ایران و منزوی ساختن سیاسی تهران، قلمروسازی ایران در منطقه کامکان برقرار است اگرچه روند نزولی به خود گرفته است. این خیزش فزاینده، نقش به‌سزایی در پیشبرد مقاصد ژئوپلیتیکی ایران به‌ویژه در جنوب غرب آسیا ایفا نموده است. به‌گونه‌ای که در این مدت، «اندازه» و «توان» نیروهای شبه‌نظامی تحت پشتیبانی ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن به‌طور کلی افزایش یافته است. در واقع، این کارگزاران که «نیابت» ایران در منطقه را بر عهده دارند، بازیگران مسلحی هستند که درعین حال که از طرح قدرت ایران در سراسر منطقه حمایت می‌کنند، دارای مشروعیت محلی قابل‌توجهی در جوامع خود از جمله در عراق، سوریه و لبنان نیز هستند (یا مشروعیت خود را توسعه داده‌اند) که این مساله به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به طور هم‌زمان، بتوانند بازیگران سیاسی و اجتماعی نیز باشند (RAND, 2019). در حقیقت، به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منطقه، بار اصلی و نمود راستین قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه متکی بر شبکه نیروهای نیابتی است. از رویکرد ایران در منطقه و بهره‌مندی از این شبکه حمایتی با عنوان «مدل نیابت تهاجمی» نیز یاد می‌گردد (Vatanka, 2018).

<sup>1</sup> Revisionist

<sup>2</sup> Randall Schweller

### ابزارهای تحریمی تحدید قلمروسازی

از دریچه نگاه آمریکا و هم‌پیمانان آن، ایران بجای بهره‌گیری از روش‌های معمول و کم‌هزینه‌تر مانند توسعه همه‌جانبه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در داخل کشور، افزایش همکاری‌های منطقه‌ای به ویژه با همسایگان، بکارگیری جدی دیپلماسی در روابط خارجی و... و در نظر گرفتن منافع ملی از مسیر اجماع داخلی به‌منظور گسترش نفوذ خود در منطقه، تنها با اتکا بر جنبه‌های ایدئولوژیک و تقویت و پشتیبانی «بازیگران غیردولتی»<sup>۱</sup> در کشورهای منطقه و حمایت مالی-تسلیماتی آنان و در نهایت، با برهم زدن نظم منطقه‌ای موجود، در حال قلمروسازی ژئوپلیتیکی و گسترش آن است. فارغ از تفسیر غرب، قلمروسازی ژئوپلیتیکی و برهم زدن وضع موجود (و مطلوب آمریکا) و تعریف نظمی نوین، به‌خودی‌خود، خالی از اشکال است اما نوع اجرای آن و بدون در نظر گرفتن اولویت‌های داخلی و ظرافت‌های خارجی، نتیجه‌ای معکوس به دنبال دارد. در نتیجه، این رویکرد، موجب ایجاد ترس و واکنش متقابل هم در منطقه و هم برای ایالات‌متحده به‌عنوان اصلی‌ترین حافظ وضع موجود شده است. برهم زدن نظم جهانی کنونی، نه تنها موجب برهم خوردن تعادل موجود می‌گردد، بلکه جریان سرمایه در جهان را نیز دگرگون خواهد کرد و این نکته ای است که بیش از هر چیز، زیر ذره بین جهانیان است. از سوی دیگر، در سیاست‌گذاری‌های ایالات‌متحده نسبت به جهان، خاورمیانه و ایران، جایگاه یهودیان آمریکا بسیار تاثیر گذار است و این قدرت از آنجا ناشی شده است که سرمایه‌داران یهودی آمریکایی بیش از ۵۰ درصد کل ثروت کشور آمریکا را و بخش قابل‌توجهی از ثروت در سراسر دنیا را در اختیار دارند. مساله هسته‌ای ایران برای غرب مهم است نه‌تنها به خاطر اهمیت خود موضوع هسته‌ای، بلکه به دلیل نگرانی از برهم خوردن نظم جهانی و تهدید اسرائیل به‌عنوان موازنه‌گری مهم در منطقه خاورمیانه. یهودیان آمریکایی معتقدند که آمریکا و ایران نمی‌توانند مسائل شان را در حوزه‌های هسته‌ای، اقتصادی و تاریخی حل کنند مگر آنکه ابتدا به مساله اسرائیل بپردازند. (سریع القلم، ۱۳۹۸). (جوانشیری، ۱۳۹۸: ۴۶)

بر مبنای این اختلاف بنیادین بین ایران و غرب (مشخصاً ایالات متحده) ابزارهایی که آمریکا برای تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران در جهت به حداقل رساندن توان ایران در برهم زدن نظم منطقه ای و جهانی به ویژه از دوره دونالد ترامپ به کار گرفته و کماکان در دوره جو بایدن نیز آن‌ها را حفظ کرده، به شرح زیر است:

<sup>1</sup> Non-state actors

۱- اعمال تحریم در چارچوب دیپلماسی اجبار که بر پنج اصل اساسی استوار است: فلج سازی، تعمیم، هوشمندسازی، تجمیع تهدیدات و اجماع سازی (دلورپور اقدم، ۱۳۹۶: ۴۶). در اصل هوشمندسازی، شناسایی و تحریم بخش‌های آسیب‌پذیر کشور هدف، مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین چارچوب، «ماتیو مک اینیس»، «مائیو لویت»، «تیموتی گایتنر» و «دیوید کوهن» از حامیان هوشمند سازی تحریم‌های اقتصادی به سمت بخش انرژی و بانک مرکزی اند. (Mcinnis, 2015: 48) در حوزه اجماع سازی، دولت بایدن با ظرافت بیشتری به ویژه در مورد همپیمانان خود عمل می‌کند به شکلی که حمایت بی قید و شرط از آنان را (بر خلاف دروه ترامپ) کنار گذاشته اما دیدگاه‌ها و حساسیت‌های آن‌ها به ویژه عربستان سعودی و اسرائیل را در ارتباط با ایران به طور جد در نظر می‌گیرد. بر اساس اصل همراه سازی، آمریکا با مشارکت متحدانش در اتحادیه اروپا و شرق آسیا، تلاش می‌کند شعاع جغرافیایی تحریم‌ها را گسترش دهد. اصل تجمیع تهدیدها نیز به مفهوم اعمال محدودیت‌های همزمان علیه بخش‌های اقتصادی، بانکی، صنایع نظامی و انرژی است. بر اساس اصل تعمیم، کشور تهدیدکننده به سمت گسترش ابعاد تحریم گام برمی‌دارد (دلورپور اقدم، ۱۳۹۴: ۸۵). برای مثال تا قبل از برجام، تحریم کالاها و فن‌آوری‌های دو منظوره در ایران با توجیه مقابله‌ی پیش‌دستانه با تسلیحات هسته‌ای، بر اساس اصل تعمیم انجام می‌گرفت.

۲- انسداد ذخایر ارزی ایران یکی از دغدغه‌های جدی تحریم‌کنندگان در شرایط فعلی و ممانعت از دستیابی ایران به ارز قوی است، با این بهانه که ایران از این ارز برای پیش بردن پروژه‌های هسته‌ای و یا حمایت از بازوهای نیابتی خود در منطقه استفاده می‌کند. از این‌رو، تحریم‌کنندگان تمام توان خود را به‌ویژه در مراحل قانون‌گذاری بر این امر نهاده‌اند که تمام راه‌های گریز ایران را برای دستیابی به دارایی‌های مالی خود مسدود کنند و ایران را بیش از پیش به مبادلات تهاتری سوق دهند.

۳- ممنوعیت فروش طلا به دولت و شهروندان ایرانی: ممانعت از صادرات و انتقال طلا به هر نهاد و شخص ایرانی اعم از دولتی و غیردولتی یکی دیگر از تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده که در قانون آزادی ایران و مبارزه با گسترش تسلیحات (IFCPA) پیش‌بینی شده بود و از ابتدای جولای ۲۰۱۳ (۱۰ تیرماه ۱۳۹۲) به اجرا گذاشته شد. (CSR, 2021) در مجموع گزارش پژوهشی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» باعث طرح این موضوع گردید و اهمیت آن را به مقامات آمریکایی متذکر شد. گزارش مذکور نشان می‌داد که اعمال چنین ممنوعیتی بسیار اثرگذار بوده و می‌تواند از طریق کاهش درآمدهای ایران این کشور را تحت فشار قرار دهد. در این گزارش آمده است که ذخایر ارز

خارجی نقطه اتکای اصلی ایران در مقابله با بحران شدید پرداختها و همچنین مقاومت در برابر فشار بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای است. (منظور، ۱۳۹۲: ۳۵)

۴- تحریم کامل فروش نفت ایران (CSR, 2021): در زمینه تحریم کامل نفتی ایران چند لایحه پیشنهادی ارائه گردید تا با اعمال فشارهای بیشتر، صادرات ایران تا پایان سال ۲۰۱۳ به رقمی پایین‌تر از ۵۰۰ هزار بشکه و پس از آن به قطع کامل برسد. از جمله این لوایح می‌توان به طرح جلوگیری از ایران هسته‌ای سال ۲۰۱۳، (H.R. 850)، قانون اجرای تحریم‌های ایران در سال ۲۰۱۳ (S.965) و قانون منع صادرات ایران (s.1001) اشاره کرد. در آوریل ۲۰۱۹ دولت دونالد ترامپ به طور کلی، امکان خرید نفت ایران توسط کلیه کشورهای جهان را اعلام کرد که این مساله، فروش رسمی نفت ایران را تقریباً به صفر رساند. (CSR, 2021)

۵- تحریم‌های تجاری و مرتبط با پول رایج، صنایع و معادن ایران: در حال حاضر، طرح‌هایی برای گسترده کردن دامنه تحریم‌ها علیه ایران وجود دارد که به‌طور مستقیم حوزه تجارت، پول ملی و صنایع و معادن ایران را در بر می‌گیرد. طرح جلوگیری از ایران هسته‌ای ۲۰۱۳، تحریم‌ها را علیه بخش‌های خودرو، بخش معادن و ذخایر ارزی یورویی دولت ایران افزایش داده و تلاش می‌کند کل صادرات نفت ایران را طی یک سال متوقف کند. (CSR, 2021) بر اساس این لایحه همچنین اشخاصی که آگاهانه اقدام به ارائه خدمات مالی قابل توجه به بانک مرکزی ایران یا به سایر نهادهای مالی ایرانی تحریم شده از سوی اداره خزانهداری آمریکا در راستای فروش کالا (به‌جز نفت خام یا فرآورده‌های نفتی) یا خدمات به اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی یا به‌واسطه بر ای آن‌ها و خرید کالا (به‌جز نفت خام یا فرآورده‌های نفتی) یا خدمات از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی یا با واسطه از آن‌ها نمایند مورد تحریم قرار می‌گیرد. مانند آنچه برای تحریم خرید نفت ایران اتفاق افتاده، در تحریم تجارت با ایران نیز امکان استثناء قائل شدن برای کشورهایی که مبادلات تجاری خود با ایران را کاهش دهند، فراهم شده است. در این طرح، رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند بخش‌های دیگری از اقتصاد ایران را به‌عنوان بخش‌های استراتژیک تعیین کرده و مشمول تحریم کند. (منظور، ۱۳۹۲: ۳۶)

۶- گسترش شعاع تحریم‌های سپاه پاسداران: قانون‌گذاران کنگره در دوران پسابرجام با گنجانیدن فرامین اجرایی رؤسای جمهور ایالات متحده در پیش‌نویس لوایح تحریمی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران، شعاع تحریم‌های سپاه پاسداران را گسترش داده‌اند. این اقدام با هدف کاهش اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا برای چشم‌پوشی از برخی تحریم‌ها انجام می‌شود. بیشترین تحریم‌های سپاه پاسداران با ارجاع به ۳ فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴، ۱۳۴۳۸ و ۱۳۵۷۳ اعمال شده‌اند. (CSR, 2021) بخش دیگری از اقدامات



کنگره، از طریق متهم‌سازی سپاه پاسداران به مداخله در امور داخلی سایر کشورها پیگیری می‌شود که به‌وضوح می‌توان مصادیق آن را در «لایحه پیشگیری از بی‌ثبات‌سازی عراق و سوریه» مشاهده کرد. (CSR, 2021) این اقدام، با عملیاتی کردن ترور فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، فصل جدیدی در رویکردهای ایالات متحده پدیدار نمود که آثار آن را در آینده باید بررسی کرد.

۷- متراکم سازی تحریم‌های موشکی: یکی دیگر از سیاست‌های آتی کنگره، تصاعد هزینه‌های سیاسی و مالی ایران برای توسعه صنایع موشکی و ماهواره‌ای است. (CSR, 2021) برای مثال در بخش چهارم قانون «مقابله با دشمنان آمریکا به‌وسیله تحریم‌ها»، رئیس‌جمهور ایالات متحده مکلف شده است با استناد به قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی، دارایی شرکت‌های کمک‌کننده به فعالیت‌های موشکی ایران را مسدود نماید.

در مصدافی دیگر می‌توان به طرح «لایحه تحریم‌ها و پیشگیری از موشک‌های بالستیک ایران» اشاره کرد. (CSR, 2021) در صدر لایحه مذکور تصریح شده است: «وزارت خزانه‌داری باید به تحریم اشخاصی که به انتقال یا واردات تسلیحات متعارف پیشرفته یا موشک‌های بالستیک یا فناوری، قطعات و اطلاعات فنی آن به ایران نقش دارند، مبادرت کند.»

### نتیجه‌گیری

جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را می‌توان برجسته‌ترین ویژگی این کشور دانست که تلاقی آن با سیاست خارجی و امنیتی مبتنی بر ایدئولوژی شیعی اشاعه‌گرا، موجب بروز تنش با فضای خارجی آن شده است. تنش‌های دامنه‌ی آن فراتر از منطقه رفته و از منظر غرب و به‌ویژه آمریکا، نوعی تهدید علیه نظم جهانی را موجب شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از دیپلماسی اجبار در راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران، عمده‌ترین ابزار مهار ایران توسط ایالات متحده را در چهارچوب تحریم‌ها باید جستجو کرد: چهار عنصر حیاتی برای مهار ایران در جهت تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی این کشور عبارت‌اند از: ۱) به صفر رساندن امکان فروش (رسمی) نفت ایران در بازارهای جهانی ۲) متوقف شدن کلیه معاملات تجاری بین‌المللی با ایران ۳) ایجاد موانع در راه کشورهایی که با ایران روابط تجاری و مبادلات مالی دارند ۴) قطع شدن هرگونه همکاری و مراودات مالی سازمان‌های بین‌المللی با ایران

نتایج عینی سازوکار بالا نشان داده است که استراتژی مهار با اتکا بر دیپلماسی اجبار، به‌طور واقعی بر ایران اثر گذاشته و طبق آمار بانک جهانی، تنها یک سال پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال

تحریم‌های جدید، ارزش پول ملی در ایران با افت ۱۷۲ درصدی همراه بوده که در ادامه نیز، بیش‌ازپیش افت کرده است. (World Bank, 2020) از سوی دیگر، طبق داده‌های مرکز آمار ایران، تا ماه فروردین ۱۴۰۰، ایران با تورم سالانه ۳۸,۹ درصدی دست‌به‌گریبان است. (مرکز آمار، ۱۴۰۰) افزایش قیمت حامل‌های انرژی در کشور، ناتوانی در خرید مایحتاج اولیه زندگی و افزایش تصاعدی قیمت مسکن نیز فشار بیشتری بر مردم تحمیل نموده، و موج فراگیر اعتراض‌های سراسری را در ایران موجب گردیده است. در کنار فشارهای شدید آمریکا بر ایران، ناتوانی در مدیریت بحران‌های داخلی و بی‌اعتنایی به انتقادات و راهکارهای ارائه‌شده از سوی جامعه مدنی، شرایط را بیش‌ازپیش بر ایران سخت کرده و این شرایط بحرانی، خود تسریع‌کننده آثار استراتژی مهار ایالات‌متحده خواهد بود. از سوی دیگر، عدم دسترسی ایران به منابع مالی بلوکه شده خود در کشورهای خارجی که چیزی بیش از ۸۸ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود (ایلنا، ۱۴۰۰) موجب کاهش توان ایران در حمایت سخاوتمندانه از بازوهای نیابتی خود به عنوان مهم‌ترین ابزار قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه شده است. نظام سیاسی در ایران نه‌تنها دیگر قادر به بهره‌گیری از توانمندی‌های ژئوپلیتیک خود نیست و ناچار به عقب‌نشینی از حوزه‌های نفوذ خود می‌باشد، بلکه این عقب‌نشینی به‌گونه‌ای است که خطر اضمحلال داخلی نیز احساس می‌گردد.

### تشکر و قدردانی

از کمک‌های فکری ارزشمند استاد گرامی جناب آقای دکتر یاشار ذکی، استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران که در تصحیح عنوان مقاله و برخی جنبه‌های پیشبرد آن به اینجانب کمک نمودند، تشکر و قدردانی نمایم.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- آرینمنش، محمد (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و آمریکا»، **دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل**، سال دوم، شماره ۲.
- سلمان تبارسوته، محمد؛ مهرورز، عباس (۱۳۹۶). «تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر تحریم های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته ای»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، سال ۱، شماره ۲، پاییز. امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۷۸). **استراتژی مہار دو گانه**، تهران: انتشارات بعثت.
- بهمین، شعیب (۱۳۹۶). «نقش نیروی قدس در حل بحرانهای غرب آسیا»، **نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، شماره ۶۹.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۷). «دولت ترامپ و شوروی سازی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی و چگونگی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال بیست و یکم، شماره ۳.
- جعفری موحد، حسین (۱۳۹۴). «رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا، امکان یا امتناع»، **نشریه سیاست خارجی**، شماره ۳.
- جوانشیری، امیرصدرا (۱۳۹۸). «مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ با تأکید بر توافق هسته ای با جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات بین المللی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- حاتمی راد، منصور (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک ایران»، **نشریه پیام**، شماره ۸۱، صص ۱۴۷-۱۵۴.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۸۴). «ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر»، **مجله ژئوپلیتیک**، ویژه نامه بهار، صص ۹۳-۱۱۶.
- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، (اردیبهشت، ۱۳۹۸). «طول خطوط ریلی ایران امسال چقدر می شود؟»، **کد خبر: ۹۸۰۲۱۳۰۶۸۷۰**، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98021306870>
- خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، (اردیبهشت، ۱۳۹۷). «آمریکا آماده برداشتن تحریم های بانکی ایران است»، **کد خبر: ۱۰۷۰۲۳۹**، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1070239>
- خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، (اردیبهشت، ۱۳۹۷). «احتمال برخورد نظامی میان ایران و آمریکا در حال حاضر زیاد نیست»، **کد خبر: ۶۳۸۱۹۴**، قابل دسترسی در: <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-638194>
- دستزادی، ساندرا (۱۳۹۱). «امپراتوری، سلطه و رهبری، توسعه چارچوبی تحقیقی برای مطالعه قدرت های منطقه ای»، **برگرفته از کتاب قدرت های منطقه ای ایران قدرت نوظهور**، تدوین محمد باقر خرمشاد، تهران: انتشارات عملی فرهنگی.

- دلورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۴). ابعاد، اهداف و ماهیت تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان بسیج حقوق دانان.
- دلورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۶). فرصت‌ها و چالش‌های پسابرجام، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: انتشارات قومس.
- ربیعی، حسین (۱۳۹۵). «الزامات نقش‌آفرینی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای در افق پیش‌رو»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (الگوی پایه پیشرفت)، بیست و نهم و سی‌ام اردیبهشت ماه. زین العابدین، یوسف (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک (ایده کاربرد)، رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- سریع القلم، محمود (۱۳۹۸). «نود درصد دعوای ایران با آمریکا بر سر قضیه اسرائیل است»، قابل دسترسی در <https://www.america.blog.ir>.
- سنایی، اردشیر (۱۳۹۶). «عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز، صص ۸۳-۱۱۷.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.
- فولر، گراهام (۱۳۷۱). قبله عالم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قالیباف، محمداقبر؛ پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک و سیاست»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره خارجی ۶۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- منظور، داوود (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۲.
- نامی، محمدحسن؛ احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲). «الگوی رفتاری آمریکا در مواجهه با تحولات کشورهای عربی»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۱، صص ۴۲-۴۸.
- وبسایت خبری انتخاب، (اردیبهشت، ۱۳۹۸). «نزول ۷پله‌ای جهانی اقتصاد ایران»، کد خبر: ۲۶۲۵۳، قابل دسترسی در: <https://www.entekhab.ir/fa/news/226253>

یزدانپناه درو، کیومرث؛ عزتی، عزت الله (۱۳۸۶). «تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی-امنیتی شانگهای با تاکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۵-۷۷. (اردیبهشت، ۱۴۰۰). «شاخص قیمت مصرف کننده فروردین ۱۴۰۰»، مرکز آمار ایران، قابل دسترسی در: <https://www.amar.org.ir/news/ID/15508>

(ب) منابع انگلیسی

- Art, Robert J. & Waltz, Kenneth N. (2004). "The use of force: Military power and international politics", Lanham, Md: Rowman & Littlefield.
- Art, Robert J. (2003). "The United States and Coercive Diplomacy", Endowment of the United States Institute of Peace.
- Cheraghrou, Ebrahim (2015). "The Limits of Coercive Diplomacy in Iran", Maryland University Press.
- Dubowitz, Mark (2017, July 5). "Confront Iran the Reagan Way", The Wall Street Journal. Retrieved from <https://www.wsj.com/articles/confront-iran-the-reagan-way-1499197879>
- Dubowitz, Mark (2017, March 23). "The Delusion of the Iran Nuclear Deal", The Wall Street Journal. Retrieved from <https://www.wsj.com/articles/the-delusion-of-the-iran-nuclear-deal-1490213438>
- Ferrara, Peter (2018, October 26). "Trump should do what Reagan did when dealing with Iran", Fox News. Retrieved from <https://www.foxnews.com/opinion/peter-ferrara-trump-should-do-what-reagan-did-when-dealing-with-iran>
- Foreign Affairs, (March/April, 1994), Confronting Backlash States, <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/1994-03-01/confronting-backlash-states>
- Gerecht, Reuel & Takeyh, Ray (2017, April 7). "How Trump Can Help Cripple the Iranian Regime", The Washington Post. Retrieved from <https://www.washingtonpost.com/news/global-opinions/wp/2017/04/07/how-trump-can-help-cripple-the-iranian-regime/>
- Humire, Joseph M. & Berman, Ilan (2012). "Irans Strategic Penetration of Latin America", Washington DC: Lexington Books.
- Hurrel, Andrew (2006). "Hegemony, Liberalism and Global Order: what space for would-be great powers?" International Affairs, Volume 82, Issue 1, pages 1-19.
- Iran Sanctions, (2021, April 6). Congressional Research Service. Retrieved from <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>
- Jentleson, Bruce (2006). "Coercive Diplomacy: Scope and Limits in the Contemporary World", The Stanley Foundation: <https://stanleycenter.org/publications/pab/pab06CoerDip.pdf>

- Morris, Lyle J., Michael J. Mazarr, Jeffrey W. Hornung, Stephanie Pezard, Anika Binnendijk, and Marta Kepe, (2019). "Gaining Competitive Advantage in the Gray Zone: Response Options for Coercive Aggression Below the Threshold of Major War", Santa Monica, CA: RAND Corporation. Retrieved from [https://www.rand.org/pubs/research\\_reports/RR2942.html](https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2942.html)
- Sack, Robert (1983). "Human Territoriality: A Theory", *Annals of the Association of American Geographers*, Volume 73, Issue 1.
- Schweller, Randall (1994). "Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In", *International Security*, Volume 19, Issue 1, 72-107. doi:10.2307/2539149
- Sechser, Todds S. (2017). "Nucler Weapons and Coercive Diplomacy", London: Cambridge University.
- USGS, (January, 2020), MINERAL COMMODITY SUMMARIES 2020, <https://pubs.usgs.gov/periodicals/mcs2020/mcs2020.pdf>
- Vatanka, Alex (2018). "Iran's Use of Shi'i Militant Proxies", The Middle East Institute.
- World Nuclear Association, (March, 2021), Nuclear Power in the World Today, <https://www.world-nuclear.org/information-library/current-and-future-generation/nuclear-power-in-the-world-today.aspx>
- (2017, October), "Regional Economic Outlook; Middle East and Central Asia", International Monetary Fund. Retrieved from <https://www.imf.org/en/Publications/REO/MECA>
- (2018). OPEC Share of World Crude Oil Reserves. Organization of the Petroleum Exporting Countries, Retrieved from: [https://www.opec.org/opec\\_web/en/data\\_graphs/330.htm](https://www.opec.org/opec_web/en/data_graphs/330.htm)
- (2019). Gross Natural Gas Reserves. U.S. Energy Information Administration, Retrieved from: <https://www.eia.gov/opendata/qb.php?sdid=INTL.3-6-IRN-TCF.A>
- (2019). The Strait of Hormuz is the world's most important oil transit chokepoint. U.S. Energy Information Administration, Retrieved from: <https://www.eia.gov/todayinenergy/detail.php?id=39932>
- (2021). Scimago Journal & Country Rank. Scimago Lab, Retrieved from: <https://www.scimagojr.com/countryrank.php>
- (Fall, 2020). Iran Economic Monitor. The World Bank Group, Retrieved from: <https://www.worldbank.org/en/country/iran/publication/iran-economic-monitor-fall-2020>